

مجله موسیقی

از انتشارات هنرهای زیبای کشور

شماره

۹۲-۹۳

دوره سوم

مهر و آبان ۱۳۴۳

جان و. درپپر
استاد انگلیسی دانشگاه ویرجینیای غربی
موسسه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

سرود زردشتی و ترتیل صدر مسیحیت

قدیس پولس دوبار به سرودهایی که نخستین مسیحیان میخواندند اشاره کرده است.^۱ از آنجا که مسیحیت به صورت فرقه‌ای یهودی آغاز یافت، احتمال می‌رود که این سرودها به شیوه موسیقی مقتبس از سبک معمول در مناسک دینی

1 - Ephesians, 5, 19; and Colossians, 3, 16.

عبرانی درآمده باشد . اما چون مذهب جدید در سراسر جهان یونانیان پیرا کند، سرودهای مسیحی ظاهراً اندک تأثیری در غرب دور دنیای لاتینی نمود . بعض مسیحیان غربی به هر گونه موسیقی حتی به سرودهای آمبروازی سده چهارم و سرودهای گریگوری سده ششم میلادی بدگمان بودند . ولی تنظیم و ترتیب متنهای لیتورژی مانند سرود گلوریا از حدود سال ۲۰۰ میلادی که موسیقی کلاسیک غیر مذهبی به انحطاط گرائیده بود، باقی مانده است^۱ . منشأ این ترتیل صدر مسیحیت لاتینی از دیرباز موسیقی شناسان را متحیر کرده است ، چونکه ترتیل مزبور رویهمرفته نه سبک کشورهای خاوری مدیترانه را دارد و نه یونانی کلاسیک است نه لاتینی (تا آنجا که سبکهای اخیر الذکر تا کنون شناخته شده) .

البته از تحقیقات دانشمندان در این زمینه اندک چیزی آنها به صورت نتایج منفی یا فرضی به دست آمده است . مثلاً تیبو (Thibaut) نشان داده که شیوه نت نگاری ترتیلهای بیزانسی بوده^۲ ؛ اما قدیمترین نسخه های خطی که وی شاهد آورده متعلق به سده دهم به بعد میباشد . بعض دانشمندان گمان برده اند که ترتیل معمول در لیترجیای رومی منشأ بومی داشته ، ولی ، در این صورت ، میبایست انتظار تأثیر کلاسیک بیشتری در آن داشته باشیم . گاستوئه (Gastoué) موضوع را خلاصه کرده میگوید « تقریباً محال است که بتوان با اندکی یقین و اطمینان تحول موسیقی را در روم معین کرد^۳ » بنا بر روایات مسیحی، ترتیل پیش از سال ۳۳۵ میلادی آغاز یافت، و ژرولد (Gérolde) را فرض اینست

۱ - F. A. Gavaert, Histoire et Théorie de la Musique de l'Antiquité, Gand, 1875 , p - 58-59, and II' 584 ff.

۲ - J. B. Thibaut. Origine Byzantine de la Notation de l'Eglise Latin, Paris, 1907 .

۳ - A. Gastoué, Les Origines du Chant Romain, Paris 1907.

همچنین رجوع کنید به :

A. Z. Idelsohn, « Parallelen zwischen gregorianischen und hebräisch - Orientalischen Gesangsweisen », ZMV. , XV

که ترتیل همراه با عرفان (گنوستیسیسم) در سده سوم و چهارم میلادی از کشورهای واقع در شمال سوریه پدید آمد^۱. در مورد مثالهای قدیمتر، این گمان ژرولد از حیث زمان صادق نیست. گرچه وی موافق منشأی شرقی برای ترتیلهای آمبروازی است^۲ و به اختصار از موسیقی مصری و بابلی و یونانی سخن میگوید^۳، معذک هیچ شاهد و دلیل قاطعی نمیآورد. دیگر اینکه، هر چند بین النهرین در آن زمان بخشی از ایران و حتی تیسفون، پایتخت ساسانیان، در آنجا بوده، وی هیچ ذکری از ایران نمی کند. ولز (Wellesz) در ۱۹۴۷ مینویسد که داوری در این قضیه را دشوار میباید^۴، ولی با استنتاج عمده ژرولد هم عقیده است که هم ترتیلهای بیزانسی و هم ترتیلهای غربی در ترتیل کلیساهای صدر دوره مسیحیت که بخشی از آن خود از سرودهای سریانی مشتق گردیده، ریشه دو انیده بود، و ترکیب و تألیف سرودهای سریانی از روی نمونه این ترتیلهای بوده و سپس به یونانی ترجمه شده^۵. ولی منشأ این سرودهای سریانی چه بوده، ولز نیز به ایران یا به آداب و رسوم مجوسی الاصل مهرپرستی که با مسیحیت در جهان رومی سده سوم رقابت مینمود، اشاره ای نمی کند. از این گذشته، پروفیسور ورنر (Werner) نیز در مطالعه استادانه ای که در منابع عبرانی لیترجیای مسیحی و خصوصاً لیترجیای مسیحی در شرق کرده ذکر کرده از موسیقی زردشتی نمی نماید^۶.

۱-T. Gérold, Histoire de la Musique, Paris, 1936, p.153

۲ - T. Gérold, Histoire de la Musique, Paris, 1936, p. 164-5

۳ - T. Gérold, Histoire de la Musique, Paris, 1936, p. 3ff.

۴-Egon Wellesz, Eastern Elements in Western Chants, Oxford, 1947, p. 3

۵-Egon Wellesz, Eastern Elements in Western Chants, Oxford, 1947, p. 202

۶ - Eric Werner, The Sacred Bridge, New York, 1960 در حقیقت وی به تئوریهای (pp. 512-13) Bessler and Urshung حمله می کند.

خلاصه ، دانشمندان منشأ ترتیل کلیسایی را در همه جا بجز ایران جستجو کرده اند .

ریشه های دین زردشتی در طی بیش از سه هزار سال به جامعه ای بدوی - هنگامی که ایرانیان و هندیها با هم در شمال دریای خزر میزیستند - امتداد مییابد^۱. زیرا بعضی فرشتگان ایرانی چون میترا (سنسکریت: میترا) در کتاب سنسکریت ریگ ودا که آئینه احوال این دوره پیش از تاریخ است، یافته میشوند^۲. در حدود ۱۵۰۰ پیش از میلاد، گویا هندیها به نواحی شمالی هند کوچ کرده اند، و در حدود پانصد سال بعد، ایرانیها به ایران . زردشت ظاهراً در سده هفتم پیش از میلاد پیامبر و مصلح این مذهب ایرانی شد. آئین زردشتی يك خدای یگانه روشنائی و آتش و داد دارد (به نام اهورامزدا) که خود فرشتگان و امشا-سپندان را دارد که با ابلیس شر و تاریکی (اهریمن) و دیوان او معارضه دارند. این ثنویت مبنای نظام اخلاقی زردشتیان است که در امور اخلاقی به افراط سخت گرفته هدف عمده زندگی را حفظ پاکی در خود و در همه طبیعت قرار داده اند . روحانیان زردشتی (آتروانها و بعدها منان ، موبدان) که مقام خود را به ارث میبردند مانند پرهمنان هند ادعا میکردند که برترین طبقه اجتماع هستند . در زمان پادشاهان بزرگ هخامنشی (کورش ، داریوش و دیگران) آئین مزدیسنی مذهب رسمی فائق ایران بود^۳، و با بسط امپراطوری ایران، به بیشتر آسیای غربی سرایت کرد. پس از ۳۳۰ پیش از میلاد، استیلای اسکندر بر ایران و نفوذ زبان و فرهنگ و آداب یونانی در زمان جانشینان سلوکی وی ضربت سختی بر پیکر آئین زردشتی وارد کرد. اما در دوران فرمانروائی اشکانیان (از حدود ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۲۶ میلادی) و خصوصاً ساسانیان (۲۲۶-۶۵۱ میلادی)

۱ - R Ghirshiman, Iran, Baltimore, 1954, pp. 73-74

۲ - A. V. Jackson, Zoroastrian Studies, New York , 1028, p.204; and Bailey, in the Legacy of Persia, ed. Arberrry, Oxford, 1953, pp. 181-2

۳ - دین در امپراطوری ایران رجوع کنید به: R. Chirshman, کتاب مذکور ص ۱۵۵ به بعد.

آئین زردشت زنده شد، و شاخه‌ای از آن، یعنی آئین نظامی میترا، با سپاهیان پومپه که از سرکوبی دزدان دریائی سیلیسی در ۶۷ میلادی باز میگشتند وارد جهان روم گردید. در سده سوم میلادی، آئین میترا، به پشتیبانی دولت و افسران سپاه روم، تا پشت دیوار هادریان در بریتانیا که کاوشهای اخیر در آنجا چند آتشکده را از دل خاک بر آورده است^۱، با مسیحیت به رقابت برخاست. در حدود سال ۲۷۵ مهرپرستی رو به انحطاط رفت و هنگامی که تئودوزیوس کبیر (متوفی در سال ۳۹۵) و جانشینان او عبادات غیر مسیحی را ممنوع ساختند، از میان رفت. مؤلفان کلاسیک به آداب و رسوم و سرودهای مهرپرستی اشاره کرده‌اند، ولی ظاهراً سرودها و موسیقی مهری هیچ به رشته تحریر در نیامده و چیزی از آن نمانده است.

آئین میترا همان آئین زردشتی بود که ستاره شناسی بابلی و چیزهای دیگری به آن افزوده شده بود. اما به عقیده کومن (Cumont) که عمری را صرف مطالعه آئین میترا کرده است، آداب مذهبی آن دنباله سنتهای باستانی ایران بوده^۲. همچنانکه بخش بزرگی از لیتورجیهای مسیحی مبتنی بر کتاب مقدس، می‌باشد، آداب و مناسک میترائی نیز از محتویات کتاب مینوی اوستا بهره برده‌اند. میدانیم که بیش از نیم اوستا از دست رفته است؛ ولی از بخشهایی که مانده، گاتهاست، و اینها سرودهایی است که احتمالاً از خود زردشت میباشد، و یشتها که نیایشهایی برای خدایان هند و ایرانی است. با قبول روایت هرودت

۱ - F. Cumont, Textes et Monuments Figurés relatifs aux Mystères de Mithra, Bruxelles, 1896-9

همچنین رجوع کنید به :

S. Dill, Roman Society from Nero to Marcus Aurelius, New York, 1960, Chap, VI

۲ - F. Cumont, Oriental Religions in Roman Paganism, New York 1956, ed. prine. , 1907, p. 150; and The Mysteries of Mithra, New York, 1956,

و مؤلفان کلاسیک دیگر^۱، ترتیل این سرودها لااقل در دوهزار و چهارصد سال پیش از این، بخشی از آئین مذهبی بوده. پارسیان هنوز در آئین نوروز همه گاتها را تلاوت میکنند. در سال ۱۷۷۱ متن اوستا به صورت ترجمه فرانسه دوپرون (A. du Perron) به اروپا رسید، و متن اصلی آنرا وسترگارد (Westergaard) در طی سالهای ۵-۱۸۵۲ چاپ و گلدنر (Geldner) در سالهای ۹۶-۱۸۸۶ تصحیح کرد. اما ناشران و مفسران اوستا اطلاعی از ساختمان موسیقی آن نداشتند.

چنانکه پس از این خواهیم دید، به دلیل عقل از هر جهت میتوان ترتیل کاهنان آئین میترا را در امپراطوری روم منشأ ترتیل مسیحی دانست. سوابق ترتیلهای آمبروازی آشکارا متعلق به پیش از تاریخی است که تئودوزیوس آئینها و مذاهب شرقی را موقوف ساخت؛ و در طی قرنهای رقابت، مسیحیت لاتینی تردیدی در استقرار از رقیب اشرافی خود یعنی آئین مهر ننمود. یونانیان رغبتی به پرستش میترای ایرانی نسب ننمودند، و مسیحیان یونانی گاهی، به مناسبت، همدینان غربی خود را استهزاء میکردند که چرا «روز خورشید» را مقدس میدارند و جشن ولادت «منجی» را در تاریخی برگزار میکنند که مجوسان از بازگشت «خورشید مغلوب نشده» در انقلاب شتوی شادمانی مینمایند. از این گذشته، کاوشهای اخیر در سردابهای کلیسای قدیس پطرس (در رم) پیکره‌ای از مسیح را به هیأت «خورشید مغلوب نشده» (Sol invictus) نمایان ساخته است.^۲ گرچه آداب و مناسک زردشتی در نهان انجام میگرفت ولی حتی تأثیر لیترجیائی آنرا بر مسیحیت میتوان دید. از جمله، به نظر میرسد که مسیحیت «قوافی لئونی» و end-line را از گاتها اقتباس کرده باشد.^۳ نخستین مقبوس ظاهراً

۱ - A.V.W. Jackson, Early Persian Poetry, New York 1920, p. 6.

۲ - Paul Mac Kendrick, The Mute Stones Speak, New York, (copr. 1960), p. 342.

۳ - J. W. Draper, The Origin of Rhyme, Rev. Litt. Comp., XXXI (1957), 74-85.

ترتولیان (Tertullian) (حدود ۲۲۲ - ۱۵۵ میلادی) ، معروف به پدر ادبیات مسیحی لاتینی ، بوده (در کتاب De Judicis) . از دیگر نوشته‌های ترتولیان آشنائی وی با آئین و مناسک میترائی معلوم میگردد^۱.

فتح ایران به دست مسلمانان در سال ۶۴۱ دوباره سبب شد که زردشتیان مورد زجر و آزار و زبیر فشار قرار گیرند بدان سان که اندک اندک به صورت اقلیتی در آبادیهای دوردست کرمان و یزد درآمدند . (امروزه زردشتیان از آزادی مذهب و برابری حقوق در ایران برخوردارند .) بعضی زردشتیان و خصوصاً روحانیان ایشان به کرانه مالابار (Malabar) هند گریختند و در هند به علت منشأ ایرانی خود پارسی خوانده میشوند . بسیاری از ایشان در نوساری (Navsari) و اودوادا (Udvada) در شمال بمبئی کنونی اقامت گزیدند. چندی این گروههای پارسیان به راههای گوناگون رفتند ، و شاید بعضی اختلافات کنونی در ترتیل سرودهای مذهبی در آن دوران پراکندگی پارسیان پدید آمده باشد . در سده هجدهم و نوزدهم ، ترقی شهر بمبئی برخی از پارسیان کاردان و زرنگ را که بسیاری از ایشان از خانواده‌های روحانی بودند ، بدان شهر کشانید. و اینان به مکننت و مقام رسیدند و حتی در مجلس عوام انگلستان جلوس کردند. اما اودوادا دهکده کوچکی با کمی باقی ماند که بیشتر ساکنان پارسی آن از خانواده‌های موبدان بودند و از نفوذ خارج بری ماندند. بدینسان اودوادا به صورت زیارتگاه زردشتیان درآمد و اهمیت آن هنوز در حفظ سنت آن می باشد^۲.

آئین زردشتی مذهبی است اشرافی و به شرافت و آبروی شخصی و مدنی سخت پابند است. زردشتیان مانند بازرگانان و نیز در دوره رنسانس به صورت حلقه بسته‌ای مانده اند، و مانند پروان آئین سری الوزیس (Eleusis) در یونان باستان ، آداب و رسوم مذهبی خود را از بیگانگان پوشیده میدارند . معذک ، در ۱۹۲۵ کتاب استادانه روانشاد سر جیوانجی جمشیدجی مدی

۱ - T. R. Glover, The Conflict of Religions in the Early Roman Empire, Boston, 1960 .

۲ - بعضی از این جزئیات و توضیحات را از زبان دکتر «کارخانوالا» که موبدی پارسی است ، شنیدم.

(Sir Jivanji Jamshedji Modi) شرحی درباره آداب و رسوم پارسیان به دست داد. در این کتاب درباره آئین میترا طرداللباب سخنی رفته است و درباره موسیقی مذهبی چیزی در آن وجود ندارد. از آنجا که پیشینه آداب و رسوم مذهبی پارسی لااقل به دوره ساسانی میرسد و بخش بزرگی از آن بازمانده از زمانهای قدیمتر است، میتوان استنباط کرد که سبکهای موسیقی گاتها و یشتها نیز به همان قدمت است. در میان یهودیان عرب یمن، وجود ترتیلهای عبرانی شبیه ترتیلهای معمول در اروپا^۱ نماینده بقا و دوام آئین و مناسک سنتی میباشد، گرچه این همدیتان قرنهای دور جدا بوده اند. و میگویند که ترتیل و داهای هند در طی سه هزار سال گذشته اندک تغییری بیش نکرده است^۲. دیگر اینکه کشیشان و کاهنان و امثال ایشان، از جمله موبدان زردشتی که ترتیلهای را در کودکی میاموزند طبعاً سنتهای محافظه کارانه را تقویت میکنند. بنا بر این، سرودهایی که امروزه در آتشکدههای مشرق خوانده میشود^۳ ممکن است نماینده یک سبک موسیقی به قدمت ترتیل و دائی باشد که احتمالاً امروز قدیمترین موسیقی جهان به شمار میآید.

ترتولیان گویا با سبک موسیقی ای که در معابد میترا اجرا میشده آشنا

۱ - J. J. Modi, The Religions Ceremonies and Customs of the Parsees, Bombay, 1925.

در شماره ژانویه ۱۹۶۱ مجله « The Nat. Geog. Mag » (ص ۶۶) عکسی از یک موبد ایرانی هست که به مواظبت آتش مقدس مشغول است.

۲ - Werner, p. 562.

۳ - L. D. Barnett, Antiquities of India, London, 1913, p. 154 ff.

اشاره به این موضوع را مدیون لطف « Prof. Sir H. W. Bailey » استاد دانشگاه کیمبریج میباشم. همچنین رجوع کنید به:

K. M. Panikkar, Indian History, Bombay, 1950, p. I.

۴ - درباره شعر و موسیقی باستانی رجوع کنید به مقاله:

« Prof. Sir A. J. Arberry », The Legacy of Persia, cit. sup. Chap. VIII.

بوده است ، زیرا نوشته های او اطلاع ویرا بر آئین میترا نشان میدهد . وی
 قافیه را از گاتها اقتباس کرده که ترتیل آنها بخشی از آئین مزبور بوده .
 پدرش نیز که صاحب منصبی عالی در روم بود ، شاید به آئین مهر دلبستگی داشته
 و بدینسان احتمالاً ترتولیان را در کودکی به مراسم میبرده . یا شاید وی
 موسیقی آئینی را از حیاط بیرونی میشنیده ، چونکه مهرپرستی ، با وجود
 اختفای آداب و رسوم پرستشگاه ، تا اندازه ای تحت تأثیر سنکرتیسم (تمایل
 به توحید و تلفیق آراء دینی و فلسفی گوناگون - مترجم) زمان واقع شده
 بود و ساختن مجسمه را در بناهای مخصوص خدایان گوناگون مجاز می -
 داشت ، و بنا بر این میبایست حضور گروههایی از پرستندگان کما بیش بیگانه
 را در محوطه هائی از پرستشگاه که کمتر مقدس بود جایز بداند . بدینسان هر
 کس میتواند ترتیل را بشنود و اثر آنرا بر عوام الناس ملاحظه کند و در جای
 دیگری از آن تقلید نماید . بدبختانه این ترتیلهای پس از سرکوبی آئین میترا
 به فرمان تئودوزیوس و جانشینانش (در حدود سال ۴۰۰ میلادی) باقی نماند .
 لذا اکنون درباره ماهیت آنها فقط از روی نظایر آنها در ایران و هند میتوان
 قضاوتی نمود . چنین مدرك و استدلالی البته غیر مستقیم است ، ولی سبکهای
 اندکی متنوع ترتیل که در میان پارسیان هند و زردشتیان ایران یافته میشود
 به علت مشخصات مشترکشان میبایست دلالت بر نوع صورت اصلی آنها داشته
 باشد که هر دو آنها (یعنی ترتیل پارسیان و ترتیل زردشتیان) در دوره ساسانی
 از آن سرچشمه گرفته اند . و این صورت اصل را کاهنان میترا میبایست به -
 امپراطوری روم برده باشند . بنا بر این ، مقایسه ترتیل زردشتی ، آنچنان که
 در بازمانده شرقی آن منعکس میباشد ، با ترتیل مسیحی در حدود سال ۲۰۰
 میلادی میبایست دلالت بر احتمال نفوذ و تأثیر زردشتی بر مسیحی داشته باشد .

۱ - Dill ، ص ۳۸۸ ، ۵۸۵-۶ ، ۵۹۱-۴ ، ۲۱-۷۲۰ . کاوشهای
 اخیر در ناحیه علیای فرات نشان داده که میترا حتی با آپولون نیز معادل دانسته
 میشود است ، (Nat. Geog. Mag. , 1961, p. 390 and 398).

نیز رجوع کنید به :

W. W. Tarn : Hellenistic Civilization, New York, 1961
 pp. 339 and 341.

این مقایسه موضوع مقاله حاضر است. البته این مقایسه و تحقیق مستلزم « ضبط صوت » در معابد شرق بود. لذا نویسنده این سطور باشک و تردیدمبادرت به این کار کرد. عاقبت، پس از چند سال کوشش بیهوده، در بهار ۱۹۶۰ از اداره اطلاعات ایالات متحده در بمبئی خبر رسید که تا به آن وقت به هیچ خارجی اجازه داده نشده بوده که در یک احتفال پارسی حضور یابد و احتمالاً امکان هر گونه ضبط صوتی کاملاً بعید است. معذک، اداره مزبور به نگارنده القاء نمود که با آقای س. ک. مدی، نواده سر جیوانجی مذکور، و کارمند شرکت هواپیمائی هند (Air India) مکاتبه کنم. نگارنده فوراً نامه‌ای به آقای مدی نوشته نسخه‌ای از مقاله خود را که اندکی پیش از آن در پاریس چاپ شده بود و در آن قافیه پردازی قدیم مسیحی را به منشأهای اوستائی رسانیده بود، برای وی فرستاد، و از او درخواست که ضبط صوتهایی از ترتیل گاتها و یشتها فراهم آورد. باشکفتی و مسرت دیدم که آقای مدی پاسخ داد که قراری با یکی از افاضل موبدان خواهد گذاشت که آنها را برای ضبط بخواند. و چنین کرد.

در تابستان و پاییز همان سال، دکتر کارخانه‌والا (Karkhanavala) که هم فیزیکدان آتمی است و هم موبدی که سنن خانوادگیش از نوساری میباشد، چند ماهی را به دعوت دولت امریکا در آزمایشگاههای اوک ریج (Oak Ridge) (ایالت تنسی) گذراند. از جانب آقای مدی نواری از گاتها و یشتها برای من آورد که دستورجی ماروز مینوچهر همچی (Dasturji Mawrose Minocher - Hemji) موبد موبدان پتی - فسلی دارمهر (Petit Fasli Daremehar)، یکی از چهار آتشکده عمده بمبئی، خوانده بود. در ششم اوت خود دکتر کارخانه‌والا به خانه من تشریف آورد و قطعاتی از نثر مسجع پازند که از روزگار ساسانی بازمانده، خواند^۲ که بر روی نوار ضبط شد^۳. بعضی از این قطعات را وی به سه سبک

۱ - J. W. Draper « The Origin of Rhyme », cit. sup.

۲ - پروفور Wood استاد مدرسه موسیقی دانشگاه ویرجینیای غربی و

بقیه پاورقی در صفحه مقابل

خواند : یکی به سبک شخصی خود ، که مزین تر از سبک دستورجی مینوچهر همجی بود ؛ دیگری سبک معمول در آداب پس از مرگ ، که آهسته و سنگین است ؛ سوم سبک معمول در معبد ایرانشاه در دهکده اودوادا . یک سال بعد ، دستورجی میرزا ، موبد موبدان اودوادا ، نیز آهنگهایی برای من ضبط کرد و فرستاد .

آشکار است که نقل همه این ترتیلهها از حوصله این مقاله خارج میباشد . ولی در گاتها تمایلی به استعمال ملودی مشابهی برای شعرهایی که به یک نوع «بند» (stanza) نوشته شده است ، یافته میشود . انواع «بند»ها شامل سه ، چهار یا پنج شعر میباشد که عموماً طول آنها تقریباً یکی است و نزدیک میان هر مصراع وقفه‌ای (caesura) وجود دارد . یشتها به صورت شعرهای آزاد هشت سیلابی است . وزن شعر اوستایی نه مانند شعر انگلیسی مبتنی بر فشار تلفظ (stress) است و نه مانند شعر لاتینی مبتنی بر کمیت هجاها میباشد ؛ و مانند ایتالیایی معمولاً مصوت‌های متوالی میباشد در آن حذف شود . قافیه‌ها تا اندازه‌ای بی‌نظم است و غالباً هم در میان و هم در آخر مصراعها ظاهر میشود . زبان آن مانند لاتینی چند سیلابی است ولی مصوت‌های آن فراوانتر است ، اما بسیاری از این مصوت‌ها در وقت حذف از میان میرود . همه اصوات زبان اوستایی را نمیتوان با حروف لاتینی آوانگاری کرد . بعض خوانندگان اصوات را به انحاء گوناگون تلفظ میکنند . نت‌های موسیقی غالباً با هم مخلوط میشود به طوری که نت‌نگاری غربی نمیتواند ارزش زمانی آنها را دقیقاً نشان دهد . دیگر اینکه تحریر (trill) ها و فواصل کسری (fractional intervals) را ، خصوصاً در سبک شخصی دکتر کارخانه‌والا ، نمیتوان به دقت و چنانکه باید و شاید بر روی کاغذ آورد .

(دنباله دارد)

ترجمه : هوشنگ اعلم

آقای Pling کارمند کتابخانه آن دانشکاه نیز در این جلسه حاضر بودند . از همکاران خود در مدرسه موسیقی پروفیسور English و خصوصاً پروفیسور Wood که وقت خود را بیدریغ در اختیار نگارنده گذاشته و نت‌نگاریهای مندرج در این مقاله را که کاری بسیار دشوار بود انجام دادند ، سپاسگزاری میکنم .

۳ - این نوارهای ضبط صوت اکنون به کتابخانه دانشکاه ویرجینیای غربی سپرده شده است .